

عزرا باب 8

کسانی که از تبعید برگشتند

1 این فهرست سران خاندانهای اسرائیلی است که در بابل تبعید بودند و در زمان شاهنشاهی اردشیر همراه عزرا به اورشلیم برگشتند:

14-2 جرشوم، از خاندان فینحاس

دانیال، از خاندان ایتامار

حطوش فرزند شکنیا، از خاندان داوود

زکریا، از خاندان فروش، به همراه صدو پنجاه مرد دیگر که اصل و نسب آنها ثبت بود.

الیهو عینای فرزند زرحیا، از خاندان فحت موآب، همراه دویست مرد؛

شکنیا فرزند یحزیئیل، از خاندان زتو، همراه سیصد مرد؛

عابد فرزند یوناتان، از خاندان عادین، همراه پنجاه مرد؛

اشعیا فرزند عتلیا، از خاندان عیلام، همراه هفتاد مرد؛

زبدیا فرزند میکائیل، از خاندان شفطیا، همراه هشتاد مرد؛

عوبدیا فرزند یحییئیل، از خاندان یوآب، با دویست و هجده مرد؛

شلومیت فرزند یوسفیا، از خاندان بانی، همراه صد و شصت مرد؛

زکریا فرزند بابای، از خاندان بابای، همراه بیست و هشت مرد؛

یوحانان فرزند هقاطان، از خاندان عزجد، همراه صد و ده مرد؛

الیفلط، یعیئیل و شمعیان، از خاندان ادونیکام، همراه شصت مرد (این گروه بعدها برگشتند).

عوتای و زکور، از خاندان بغوای، همراه هفتاد مرد.

عزرا در صدد یافتن لاویان

15 من همه گروهها را در کنار نهری، که به طرف شهر اهوا جاری است، جمع کردم و در آنجا سه روز اردو زدیم. من دریافتم که تعدادی کاهن در بین آنها بود ولی از لاویان کسی در آنجا نبود. 16 نه نفر از رهبران قوم را به نامهای الیعزر، اریئیل، شمعیان، الناتان، یاریب، الناتان، ناتان، زکریا، و مشلام و دو نفر از معلمان به نامهای یویاریب و الناتان را فراخواندم. 17 آنها را به نزد عدو، رئیس جماعتی که در کاسفیا سکونت دارند، فرستادم تا از او و همکارانش که خادمان معبد بزرگ بودند بخواهند، افرادی را برای خدمت خداوند در معبد بزرگ بفرستند. 18 به لطف خدا آنها یکی از لاویان به نام شریبا از خاندان محلی را که شخص برجسته‌ای بود به همراه هجده نفر از پسران و برادرانش فرستادند. 19 آنها همچنین حشابیا و اشعیا از خاندان مراری را به اتفاق بیست نفر از بستگان ایشان فرستادند 20 علاوه بر آن، دویست و بیست نفر از خدمه معبد بزرگ که اجدادشان به وسیله داوود پادشاه و نمایندگان او برای کمک به لاویان منصوب شده بودند نیز همراه آنان بودند. اسامی همه آنها ثبت شده است.

دعوت عزرا از مردم برای دعا و روزه

21 در آنجا، در کنار نهر اهوا، از همه خواستم تا با هم روزه بگیریم و با فروتنی از خدای خویش بخواهیم، ما را در سفرمان رهبری کند و ما و فرزندانمان و اموالمان را محافظت فرماید. 22 من خجالت می‌کشیدم از شاهنشاه تقاضا کنم یک گروه از سواره نظام را بفرستد تا در سفر در مقابل هر دشمنی از ما مراقبت کند، چون من به او گفته بودم که خدای ما به هر که به او توکل کند برکت می‌دهد، اما هر که از او رو بگرداند، مورد خشم و مجازات او قرار می‌گیرد. 23 از این رو، ما روزه گرفتیم و نزد خدا دعا کردیم تا خدا خودش از ما مراقبت کند و او هم دعاهای ما را مستجاب نمود.

هدایایی برای معبد بزرگ

24 از بین کاهنان برجسته، من شربیا، حشایبیا، و ده‌ها نفر دیگر را انتخاب کردم. 25 آنگاه طلا، نقره و ظروفی را که شاهنشاه، مشاوران و مأموران عالی رتبه او و مردم اسرائیل برای استفاده در معبد بزرگ داده بودند، وزن کرده و به کاهنان دادم. 26-27 آنچه به آنها دادم به این شرح است:

نقره - بیست و پنج تن،

صد قطعه ظروف نقره‌ای به وزن هفتاد کیلوگرم،

طلا - سه هزار و چهارصد کیلوگرم،

بیست عدد جام طلا به وزن هشت و نیم کیلوگرم،

دو جام برنز اعلا به ارزش جامهای طلا،

28 به آنها گفتم: «شما در حضور خداوند، خدای اجداد خود، مقدّس هستید. همچنین کلیه ظروف طلا و نقره‌ای که به عنوان هدیه داوطلبانه به او تقدیم شده، مقدّس است. 29 تا رسیدن به معبد بزرگ از آنها به دقت مراقبت کنید. آنجا، در اتاق کاهنان، آنها را وزن کنید و تحویل رؤسای کاهنان و لایوان و رهبران قوم اسرائیل در اورشلیم بدهید.» 30 پس کاهنان و لایوان مسئولیت محافظت از طلا، نقره و ظروف را، تا رسانیدن آنها به معبد بزرگ اورشلیم، به عهده گرفتند.

بازگشت به اورشلیم

31 در روز دوازدهم ماه اول، نهر اهوا را ترک کردیم و عازم اورشلیم شدیم. خدای ما در سفر با ما بود و ما را از حمله‌های دشمنان و راهزنان حفظ کرد. 32 وقتی به اورشلیم رسیدیم سه روز استراحت کردیم. 33 در روز چهارم به معبد بزرگ رفتیم، نقره، طلا و ظروف را وزن کردیم و تحویل کاهنی به نام مریموت، پسر اوریا دادیم. العازار فرزند فینحاس و دو نفر از لایوان به نامهای یوزاباد فرزند یشوع و نوعدیا فرزند بنووی نیز با او بودند. 34 همه چیز شمرده و وزن شد و صورت کاملی از آنها در همان موقع تهیه شد.

35 آنگاه همه کسانی که از تبعید برگشته بودند، هدایایی آوردند تا به عنوان قربانی، در حضور خدای اسرائیل سوزانیده شود. آنها دوازده گاو نر برای همه قوم اسرائیل، نود و شش قوچ و هفتاد و هفت بره قربانی کردند. آنها همچنین دوازده بز هم به منظور تطهیر از گناهان خود قربانی کردند. تمام این حیوانات به صورت قربانی سوختنی تقدیم حضور خدا شدند. 36 آنها همچنین مدرکی را که شاهنشاه به

ایشان داده بود به استانداران و مأموران دولت در ناحیه غربی رود فرات ارائه دادند، و مأموران هم، از مردم و پرستش آنها در معبد بزرگ حمایت نمودند.